



ردپا

(بررسی افکار و اندیشه های عرفانی علامه اقبال لاهوری با مولانا در مثنوی معنوی)
(قابل استفاده برای دانشجویان کارشناسی، ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی)

مؤلف:

دکتر شیوا حیدری



نگار راهبر

سرشناسه : حیدری، شیوا، ۱۳۵۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : ردپا: بررسی افکار و اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری با مولانا در مثنوی معنوی (قابل استفاده برای دانشجویان کارشناسی، ارشد و دکترای زبان و ادبیات فارسی) / مولف شیوا حیدری.
 مشخصات نشر : تهران : راشدین، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۳۳۲ ص.
 شابک : 978-600-361-078-1
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. -- تأثیر -- اقبال لاهوری
 موضوع : اقبال لاهوری، محمد، ۱۸۷۷ - ۱۹۳۸ -- نقد و تفسیر
 موضوع : مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی -- نقد و تفسیر
 رده بندی کنگره : PIR ۵۳۰۷/ت۱۳۹۳۲ ح ۹
 رده بندی دیویی : ۳۱/۱۴۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۹۴۹۰



■ انتشارات راشدین

عنوان کتاب:	ردپا
مؤلف:	دکتر شیوا حیدری
نظارت کیفی:	راهب عارفی
ویراستار:	مجید درویش
صفحه‌آرا و طراح جلد:	افسانه حسن‌بیگی
چاپ و صحافی:	دی تاب
نوبت چاپ:	اول - ۱۳۹۳
شمارگان:	۱۰۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۰۷۸-۱
قیمت:	۲۰۰۰۰۰ ریال
نشانی:	میدان انقلاب - کارگر جنوبی - کوچه گشتاسب - پلاک ۴ واحد ۶
تلفن / نمابر:	۶۶۴۰۸۲۲۴ - ۶۶۱۲۳۴۴۹
پایگاه اینترنتی:	www.rashadin.com
پست الکترونیک:	Email: rashed1829@yahoo.Com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۵	پیش درآمد
۷	مقدمه
۲۵	اندیشه
۳۶	انسان کامل
۵۴	بهشت و دوزخ
۶۴	تصوف و عرفان (صوفی و عارف)
۸۰	تقلید و تحقیق
۸۶	توحید
۹۸	جامعه و دین
۱۱۹	جبر و اختیار
۱۳۳	جبرئیل
۱۴۰	جهاد و تحرک
۱۵۲	خداشناسی و خودشناسی
۱۷۲	زهد و ریاضت
۱۸۱	شیطان
۱۸۹	عبادات
۲۰۳	عشق
۲۱۹	عقل
۲۴۰	علم و عرفان
۲۵۲	فقر
۲۷۱	قرآن
۲۸۱	مرگ و زندگی
۲۹۳	وحدت وجود
۳۱۷	فهرست آیات
۳۲۱	فهرست احادیث
۳۲۳	منابع

پیش درآمد

سال‌ها دل طلب از جام جم می‌کرد آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد
سال‌ها جام وجودم بی‌قرار و شیفته‌ی واژه‌ی ناب «عرفان» بود و آن دُر یکتای معرفت
را جستجو می‌کردم و لحظه‌ای لب از زمزمه‌اش باز نمی‌ایستاد، آنگاه که به خود آمدم بارقه‌ی
عشق بر جانم سایه افکنده بود و جذبه‌اش در من اثر کرد تا پای بر عرصه‌ای نهم که در پی
آن بودم. عرفان دریای بی‌کرانی است که اشرف مخلوقات مبهوت آن است و این جام
جهان‌بین را خارج از دریای وجود می‌جوید، حال آنکه این جام در جانش منزل دارد. آری
به دنبالش روان و تا آنجا که توانستم جرعه نوشش شدم و آغازگر پژوهشی بس گسترده
گردیدم که این مقال شمه‌ای از آن است که با یک‌دو دفتر کار به اتمام نمی‌رسد، اما این
دفتر که در پیش روی شما گرانمایگان است بضاعت مزجانی است که شاید عاشقان را به
طریق مقصود راهگشا باشد.

محور کار این پژوهش بر پایه‌ی مطالعه‌ی دقیق و نکته به نکته‌ی مثنوی معنوی مولانا
جلال‌الدین بلخی بر اساس نسخه‌ی تصحیح‌شده‌ی رینولد نیکلسون با مقدمه‌ی دکتر
عبدالحسین زرین‌کوب و دیوان اشعار علامه محمد اقبال لاهوری، بر اساس نسخه‌ی
تصحیح‌شده‌ی دکتر محمد بقایی (ماکان) بنانهاده شده است.

از تمامی اشتراکات فکری میان مولانا و اقبال از کتب معتبر فیش‌برداری شده است.
منابع مورد تحقیق شامل امهات کتب عرفانی و در رأس این منابع قرآن کریم است، به
دلیل آن‌که این کتاب بر پایه‌ی آیات الهی است و سپس منابع مهم عرفانی، که شامل کتبی
چون: اللمع فی التصوف، شرح تعرف، رساله‌ی قشیریه، کشف‌المحجوب، مصباح‌الهدایه و
مفتاح‌الکفایه و کتبی در زمینه‌ی پیدایش عرفان و تصوف، چون مقدمه‌ای بر عرفان و
تصوف، تصوف در اسلام، جستجو در تصوف ایران، تصوف اسلامی، تاریخ جهان فلسفه‌ی
اسلامی، و نیز شروحنی که بر مثنوی معنوی مولانا انجام گرفته است. فصل‌هایی که انتخاب

گردیده با توجه به اشتراکات فکری و اندیشه‌های میان مولانا و اقبال بوده و بر پایه‌ی اندیشه‌های عرفانی قرار گرفته است. در این کتاب هر جا نام دیوان به تنهایی برده شده است، منظور دیوان اقبال لاهوری است و اشعاری که از مثنوی ذکر شده ابتدا شماره‌ی دفتر و سپس شماره‌ی بیت آمده است. در انجام سخن از استاد ارجمند و گرانمایه‌ی دانشگاه تهران جناب آقای دکتر علی‌محمد مؤذنی که راهنمایی‌هایشان راه گشای من در این پژوهش گسترده بود کمال قدردانی را می‌نمایم.

هرکسی که دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش

شیوا حیدری زمستان ۱۳۹۳

مقدمه

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و اقبال لاهوری دو چهره‌ی سرشناس عرفان و تصوف در قرن‌های مختلف آثار گران‌قدری از خود به یادگار گذاشته‌اند. نام این دو بزرگ‌مرد تاریخ عرفان و تصوف بر تارک ادبیات فارسی ایران و شبه‌قاره‌ی هند می‌درخشد و همگان از آنان به نیکی یاد می‌کنند و آن دو را می‌ستایند و اشعارشان را سرلوحه‌ی زندگی خود قرار می‌دهند. آنان که در طریق سیر و سلوک قدم برمی‌دارند از مطالعه‌ی زندگی و آثار گران‌سنگشان باید بهره‌مند گردند تا بتوانند طریق شریعت و طریقت را به خوبی طی کرده و به وادی حقیقت نائل آیند.

تصوف ایران سرشار از اندیشه‌های خداشناسی و خداجویی، و کشف و شهود عرفانی است. در این‌که مهد عرفان ایران، پیش از اسلام بوده و یا عرفان و تصوف از اسلام آغاز گردیده است، پرسشی است دیرینه. «آراء درباره‌ی منشأ عرفان اسلامی مختلف است، اما در این‌که ایران یکی از نخستین مراکز پرورش آن بوده است، نمی‌توان تردید کرد»^۱

تصوف بیش از هزار سال است که در مشرق زمین در ممالک اسلامی و بالأخص در ایران رواج زیاد داشته است و بسیاری از حکما و شعرا و ادبای ایران با این طریقه آشنایی داشته‌اند. «در باب منشأ تصوف و منابع آن، آراء مختلف است و ظاهراً حقیقت این است که تصوف در آغاز جنبه‌ی اسلامی داشت و بعداً عناصر خارجی از منابع مختلف وارد آن گردید»^۲

حنا فاخوری در این باره می‌گوید:

«تصوف در اسلام و از اسلام به وجود آمد، زیرا شاخه‌های آن بر ریشه‌ی زهد اسلامی روید و نیز بدان سبب که پیامبر اسلام خود مثل اعلا‌ی زهاد و متصوفین بود، آن‌چنان

۱- اقبال لاهوری، محمد، بازسازی اندیشه دینی اسلام، صص ۳۲-۳۳

۲- زرین کوب، عبدالحسین، تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن، ص ۱۷

انسان کاملی که هر متصوف بدو اقتدا می‌کرد. باوجوداین و قبل از آن‌که تصوف در معرض این تحول قرار گیرد و اندک‌اندک از اسلام اصیل فاصله یابد، دسته‌هایی از مسلمانان به مبارزه و دشمنی با آن برخاستند. تصوف اولین بار که پدید آمد، عکس‌العملی بود علیه فساد و اوضاع اجتماعی و اخلاقی آن عصر و کوششی برای طهارت باطن آن‌چنان‌که بتوان به‌حق واصل شد.^۱

تصوف اسلامی از صدر اسلام تحت تعلیمات پیغمبر اکرم (ص) و قرآن مجید و صحابه مخصوصاً حضرت علی بن ابی‌طالب (ع)، سر حلقه‌ی اولیاء و سرسلسله‌ی همه‌ی طوایف صوفیه به شمار می‌رود مایه گرفت: «مسلمی که در دنیا به نام تصوف خوانده می‌شود بی‌شبه مولود تعلیمات قرآن و پیغمبر اسلام و صحابه مخصوصاً حضرت علی (ع) است.»^۲ اما امکان دارد که بسیاری از عرفای بزرگ و قدمای تصوف چون ابوهاشم کوفی و شقیق بلخی و ابراهیم ادهم در ایران قرون اسلامی به وجود آمده باشند. در ایران از همان قرون اولیه از نظر محیط فکری و ذهنی ایرانیان توانسته‌اند مبادی تصوف را بپذیرند. «کسانی چون نیکلسون منشأ تصوف را زهد و عرفان مسیحی و فلسفه‌ی نو افلاطونی اسکندریه و حکمت اشراقی «فلوطين» می‌دانند.»^۳

در این‌که تصوف نظری تحت تأثیر اندیشه‌های کدام ادیان و آیین‌ها بوده در پیدایش و سیر تصوف آمده است: ابوالعلاء عقیفی، شاگرد «نیکلسون» خاطرشان می‌سازد که: «نیکلسون، نخست تصوف را از جنبه‌ی نظری، تحت تأثیر نو افلاطونی یا نتیجه‌ی امتزاج و اتحاد نو افلاطونی و دین مسیحیت و آیین گنوسی می‌دانست و بعداً به ارزش عامل اسلامی تصوف در میان دیگر عوامل اعتراف کرد.»^۴

۱- فاخوری: «الجر، ج۱، تحلیل، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی»، ص ۲۹۱

۲- گل‌دزبهر، ابگناس، درس‌هایی درباره‌ی اسلام، ص ۳۲۲

۳- نیکلسون، رینولد، پیدایش و سیر تصوف، صص ۲۹-۲۷

عرفان به منزله‌ی یکی از مظاهر تجربه‌ی دینی در اسلام معمولاً با نام تصوف شناخته می‌شود. عبدالحسین زرین‌کوب معتقد است که تصوف ایرانی هم چون تصوف دیگر ملل از همان اوان ظهور خود با مسیحیت در ارتباط بوده است. «دنیای اسلام و تصوف اسلامی در ایران هم، مثل سوریه و بین‌النهرین و مصر از همان اوایل با مسیحیت ارتباط و تماس یافته است و البته ممکن نیست که بر رغم این تماس‌های مستمر در یکدیگر تأثیر نگذاشته باشند.»^۱

اما در هر حال در بحث عرفان و تصوف نباید از منشأ اصلی آن که قرآن و آموزه‌های اسلامی است غافل شد. «مع هذا قول به تأثیر مذاهب متکلمین و حتی قول به نفوذ پاره‌ای عقاید و افکار ایرانی، که اصل برخی از آن مذاهب هم هست در پرورش و یا پیدایش برخی عقاید و آداب صوفیه، به هیچ وجه نقش اسلام و قرآن را که منشأ واقعی تصوف است، در این باره نفی نمی‌کند و در حقیقت بدون اسلام و قرآن ممکن نبود.»^۲ آنچه سبب عمیق‌تر شدن تصوف اسلامی در ایران شده است و آثار بالارزشی را به یادگار گذاشته است همان عامل قرآن و آیات الهی است که بزرگان ادب ایران از آن بسیار بهره برده‌اند. «باین همه تصوف اسلامی در عین آن که از قرآن و سنت منشأ گرفته است در طی قرون نخستین اسلامی، از آنچه در جو فکری و دینی اخلاف مزدیسنان پایان عهد ساسانی وجود داشته است، نیز تأثیرهایی پذیرفته است که به رشد و کمال تدریجی آن کمک کرده است و البته بدون این «مدد حیاتی» تصوف اسلامی شاید در ایران ریشه نمی‌گرفت، اگر می‌گرفت آثاری به عمق و عظمت آثار غزالی و عین القضات و مولوی پدید نمی‌آورد.»^۳

مولانا جلال‌الدین بلخی شاعر قرن هفتم و علامه اقبال لاهوری شاعر قرن چهاردهم هجری قمری دارای مشترکات فکری فراوان هستند. اختلاف زمانی، مانع پیروی علامه

۱- زرین کوب، عبدالحسین، جستجو در تصوف ایران، ص ۶

۲- همان منبع، ص ۲۱

۳- همان، ص ۲۲

اقبال از مولانا نگردیده، اهمیت مولانا به حدی است که اقبال به عنوان یکی از متفکران معاصر و دانش‌آموختگان فلسفه در غرب، از افکار و اندیشه‌های وی بهره برده است، و دیوان اشعارش را بر پایه‌ی آن اندیشه‌ها بنا نهاده است. اقبال هم از جهت اندیشه و هم از جهت ساختار اشعار، چون قالب و اوزان عروضی از مولانا تأثیر پذیرفته است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های شعر، عرفان در میان ادیان و مکاتب مختلف ادبی است، که در این مقوله به تطبیق اندیشه‌های عرفانی دو شاعر از دو کشور مختلف با دو رویکرد یکسان می‌پردازیم. تأثیر اندیشه‌های مولانا بر اندیشه‌های علامه محمد اقبال لاهوری، انسان به جهان هستی و اطرافش به هر شیوه‌ای بنگرد، زندگی، اهداف و برنامه‌هایش را بر همان اساس تنظیم خواهد نمود. انسان‌های متفاوت نسبت به جهان هستی، دیدگاه‌های متفاوتی دارند و این سبب می‌شود که اهداف خاصی را دنبال نمایند، اما آنچه از نظر اسلام اهمیت دارد نوع جهان‌بینی است و جهان‌بینی اسلامی، همان جهان‌بینی توحیدی است که مولانا و علامه اقبال لاهوری بدان سخت پایبندند. در نظر بسیاری از مولوی‌شناسان، مولوی تأثیر پذیرفته از افکار و عقاید محیی الدین عربی (سرسلسله‌ی عرفان نظری) است، اما در آثار مولانا مفهوم و مضمونی نمی‌توان یافت که اختصاصاً متعلق به ابن عربی باشد. افکار و اندیشه‌های مولانا و مکتبش با محیی الدین متفاوت است به دلیل آن‌که مکتب مولانا تصوف عاشقانه است، درحالی‌که تصوف و تعالیم ابن عربی متأثر از موارث حکمی و عرفانی غرب اسلامی است. مکتب مولانا تأثیر پذیرفته از اندیشه‌های مراد و استادش شمس تبریزی است، و هر آنچه او بدان التزام نموده است. مولانا معتقد است که شریعت و انجام ظاهری احکام دینی برای آنان که در راه حقیقت گام می‌نهند، گام نخستین است، و آن‌که به آداب شریعت پایبند نیست، توان قدم نهادن در راه حقیقت را ندارد.

علم‌آموزی طریقش قولی است حرفت آموزی طریقش فعلی است